

بررسی رابطه رویکرد منظر تاریخی شهری با زیست‌پذیری

شهری

روح الله رستمی* ، سید یعقوب موسوی**

بهرام قدیمی*** ، خلیل میرزایی****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۷

چکیده

مقاله حاضر «بررسی رابطه بین رویکرد منظر تاریخی شهری با زیست‌پذیری شهری» می‌باشد. اصطلاح زیست‌پذیری اشاره به درجه تأمین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت افراد آن جامعه دارد. روش تحقیق مورد استفاده، روش پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه همراه با مصاحبه بوده است. جامعه آماری تحقیق، کلیه شهروندان ۱۸ ساله و بالاتر ساکن در شهر ایلام تعریف شده‌اند و بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۳ نفر به عنوان حجم نمونه و با استفاده از شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم انتخاب شده‌اند. اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار محتوا با میانگین کل (۰/۸۳۳) و پایایی ابزار از طریق آلفای کرونباخ به میزان (۰/۸۲۸) برای متغیر رضایت از زیست‌پذیری شهری و (۰/۸۲۴) برای متغیر رویکرد فرهنگی شهروندان محقق شده است. در تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده گردیده است. نتایج و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میانگین رضایت از زیست‌پذیری اقتصادی (۴۹/۱۰)، میانگین رضایت از زیست‌پذیری اجتماعی (۵۵/۰۰) و میانگین رضایت از زیست‌پذیری زیست‌محیطی (۳۲/۶۶) بوده است.

واژه‌های کلیدی: زیست‌پذیری، اصالت، یکپارچگی، تعلق اجتماعی

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

R.Rostami@pnu.ac.ir

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
y.mousavi91@alzahra.ac.ir

*** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

ghadimi_b@gmail.com

**** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، رودهن، ایران.
mirzai_khalil@gmail.com

طرح مسئله

بعد از انقلاب کشاورزی شاید بتوان از شهرنشینی به‌عنوان بزرگ‌ترین دستاورد و انقلاب تأثیرگذار در تاریخ بشریت نام برد. اگر در گذشته نه‌چندان دور، شهرها پدیده‌ای استثنایی و کمیاب بودند، امروز به مکان اصلی کار و سکونت انسان تبدیل شده‌اند. همه‌روزه بر تعداد شهرها و جمعیت آن‌ها و بالطبع، بر مشکلات آن‌ها نیز افزوده شده است. چنان‌که امروزه گفته می‌شود جهان ما یک جهان شهری شده است و شهرها که زمانی پدیده‌هایی استثنایی و کمیاب بودند، تبدیل به هنجار شده‌اند و همه‌ساله نیز بر تعداد و جمعیت ساکن در آنها افزوده می‌شود (کلارک، ۱۳۸۸: ۵۰). در حال حاضر بیش از ۵۰٪ از جمعیت نزدیک به ۷/۶ میلیارد نفری جهان در شهرها زندگی می‌کنند. بر این اساس قرن بیست و یکم به‌واسطه زندگی شهری، به‌گونه‌ای پیش می‌رود که قبلاً همچون آن را تجربه نکرده‌ایم (پیری و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۳۲). در همین فرایند شهرهای بزرگ جهان در معرض مسائل و مشکلات گوناگونی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... قرار گرفتند.

کشور ما و به‌تبع مناطق مختلف کشور نیز از جریان رشد شهرنشینی جدید به دور نمانده‌اند. شهر ایلام که در آغاز هسته اولیه آن با پیوستن چند عنصر دست‌کم بیش از یک قلعه کشاورزی که در کنار یا نزدیکی یکدیگر قرار داشته‌اند، شکل گرفته بود، پس از حذف حصار و بارو در مرز و محدوده آن مسجد جامع و میدان به وجود آورده و در رابطه‌ای متوازن و متعادل که دارای حیات یک شهر سنتی ایرانی-اسلامی که واجد صلاحیت‌های زیست و زندگی مناسب بوده را نمایندگی می‌کرده است، در طول حیات خود دچار تحولات گسترده‌ای شده است (مصدق ارزانی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). شهر ایلام به علت قرار گرفتن در مرکز استان، قرار گرفتن در میان بلوط‌های زاگرس و برخورداری از فضاهای سبز طبیعی همچون تنگه ارغوان، تخت خان، منطقه ششدار در کنار فضاهای سبز شهری، وجود امنیت اجتماعی پایدار در سایه ظرفیت بالای بزرگان و نبود آسیب‌های اجتماعی و خیابان‌های امن، وجود آثار تاریخی و فرهنگی با قدمت فراوان که باعث بالا بودن حس تعلق به مکان، برخورداری از هویت محلی و اشتغال پایدار شهری قابل سکونت و زیست‌پذیری بوده است. نقطه عطف تحول این شهر مقارن انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی به علت مرزی بودن استان ایلام و در اثر بازسازی ناشی از خسارات جنگ، صنعت‌گرایی، مهاجرت‌های پرشتاب روستا به شهر، شهر به شهر و از تمام مناطق استان به شهر ایلام، حاکمیت بیش‌ازپیش دولت و تمرکز درآمدهای نفتی در دست آن و آغاز برنامه‌ریزی متمرکز برای مناطق و شهرهای

مختلف و به‌ویژه پس از سرنگونی رژیم بعث عراق و باز شدن مرز کشور برای عبور زائرین عتبات عالیات از مسیر استان ایلام به وقوع پیوسته است. به‌طوری‌که جمعیت شهر ایلام از ۳۲۴۷۶ در سال ۱۳۵۵ به ۲۳۵۱۴۴ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. تعداد خانوارهای ساکن در شهر ایلام به ۵۴۰۰۰ در سال ۱۳۹۵ رسیده و نرخ رشد سالانه جمعیت شهری از ۲/۷ در سال ۱۳۵۵ به ۴/۳ در سال ۱۳۹۵ رسیده است (مرکز آمار ایران).

شهر ایلام با وجود برخورداری از ظرفیت مناسب برای ایجاد صنایع تبدیلی و پایین‌دستی مرتبط با بخش‌های کشاورزی، نفت و نیروگاهی، برخورداری از چشم‌اندازهای زیبا به‌منظور گردشگری، وجود بسترهای مناسب امنیتی در شهر، نزدیک‌ترین مسیر دسترسی به عتبات عالیات، برخورداری از پویایی و تنوع اجتماعی، توازن شهری آن به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر به‌هم‌خورده است. آلودگی‌های زیست‌محیطی با منشأ خارجی بصورت گردوخاک که حداقل ۵۰ روز در سال شهر را فرا می‌گیرد، سکونت در شهر را با مشکل مواجه ساخته است، قومیت‌گرایی سرمایه‌های اجتماعی را کاهش داده و امکان انتخاب مدیران کارآمد شهری را به تعویق انداخته است، کاهش حس تعلق به مکان و جاذبه‌های بیرونی زمینه مهاجرت نخبگان علمی، اقتصادی و اجتماعی را فراهم ساخته است و تمایلی برای سرمایه‌گذاری اقتصادی وجود ندارد، محصور بودن در میان کوه‌ها، سوداگری و کمبود زمین و فرسوده بودن بخش‌هایی از بافت شهری امکان توسعه بهینه و مطلوب فضاهای شهری و توسعه ناوگان حمل‌ونقل عمومی شهر را کاهش داده است و شهر بسیاری از ویژگی‌های مثبت و سازنده خود را به‌تدریج از دست داده که از این میان کاهش زیست‌پذیری یکی از آنهاست. زیرا که زیست‌پذیری محصول توازن، تعادل و عملکرد مطلوب و مناسب سیستم‌ها و ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، محیطی، مدیریتی و تاریخی یک شهر است که شرایط مطلوب و مناسب زیست ساکنان آن را فراهم می‌آورد و هر زمان شهر از این تعادل و توازن فاصله بگیرد، دچار آسیب شده و زیست‌پذیری آن در ابعاد و زمینه‌های گوناگون، در معرض خطر و تهدید قرار می‌گیرد.

"زیست‌پذیری" به یک سیستم شهری که در آن به سلامت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و روانی همه ساکنانش توجه شده است اطلاق می‌شود. این کیفیت درباره فضاهای شهری مطلوب که غنای فرهنگی را انعکاس می‌دهند، می‌باشد. اصول کلیدی که به این مفهوم استحکام می‌بخشند شامل برابری، عدالت، امنیت، مشارکت، تفرج و قدرت بخشیدن می‌باشند (cities plus, 2003). شهر زیست‌پذیر نقطه اتصال بین گذشته و حال است.

مدیریت پایدار در این شهر، از یک‌سو به نشانه‌های تاریخی احترام می‌گذارد و از سوی دیگر به آنچه تاکنون متولد نشده، توجه دارد. از این‌رو: «حفظ ارزش‌ها و کرامت انسانی، امنیت، پویایی و تحرک، سرزندگی و نشاط و به دنبال آن‌ها مشارکت و تعلق به مکانی که تبلوری از آرمان‌های خاص انسان در شکل دادن به محل زندگی‌اش است، همیشه و در همه جوامع شهری مدنظر بوده و در نتیجه تقویت و ظرفیت زیست‌پذیری از اصول مهمی است که شرایط زندگی مناسب را برای همه ساکنان یک محله فراهم می‌کند» (کیانی، غلامی فاردقی و وحدتی، ۱۳۹۰: ۱۵). زیست‌پذیری سنتزی از دیدگاه‌های بین‌رشته‌ای است که ارتباطات و روابط دیالکتیک بین حوزه‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی را ارائه می‌دهد (ردایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۹).

"زیست‌پذیری شهری" و به تبع آن رضایت از زیست‌پذیری شهری وضعیتی است تبعی، نسبی و برخاسته از عوامل، فرایندها و سازوکارهای دنیای واقعی، که در مراحل گوناگون تحول نظام شهرها، به اشکال و درجات متفاوتی بروز و ظهور می‌یابد. از جمله این عوامل می‌توان به فرهنگ و رویکرد منظر تاریخی شهر اشاره کرد. به‌طور کلی شهر یک پدیده فرهنگی و در واقع فراتر از یک واحد اجتماعی و نماد و فرم فضایی، یک واقعیت فرهنگی است؛ یعنی سیستمی که ارزش‌ها، قواعد، روابط اجتماعی و منطق سازماندهی خاص خود را دارد. فرهنگ یکی از بنیادی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تحول و زیست‌پذیری شهر می‌باشد. بنابراین با توجه به نقش و جایگاه رویکرد فرهنگی و منظر تاریخی شهر در زیست‌پذیری شهری سؤال اساسی این است که:

- ۱- میزان رضایت شهروندان از زیست‌پذیری شهر ایلام چگونه است؟
- ۲- حفظ اهمیت معنای شهر چه تأثیری در میزان زیست‌پذیری شهری دارد؟
- ۳- بین تداوم اصالت فرهنگی و تاریخی شهر و زیست‌پذیری شهری چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۴- چه رابطه‌ای بین میزان یکپارچگی منظر شهری و زیست‌پذیری شهری وجود دارد؟

پیشینه موضوع

در زمینه مفهوم و رویکرد منظر شهری تاریخی، آثار متعددی در حوزه‌های مختلف علمی، شامل مقاله‌ها، کتاب‌های مرجع و رساله‌های دکتری به چاپ رسیده‌اند. سازمان میراث جهانی یونسکو در سال ۲۰۰۵ م «یادداشت وین» را با موضوع مدیریت منظر شهری

تاریخی به منظور سازگاری و یکپارچه‌سازی توسعه جدید و حفاظت از ارزش‌های شهری به تصویب رساند (تقوایی و مظهری راد، ۱۳۹۳: ۱۴). بر اساس این سند، برای داشتن شهری متعادل و سرزنده از یک‌سو پاسخ به پویایی توسعه به‌منظور رشد اجتماعی- اقتصادی شهر و از طرف دیگر به‌طور هم‌زمان احترام به منظر شهری و زمینه و بستر آن و حفاظت از گذشته ضروری است (Unesco, 2005). توجه به بُعد ملموس و ناملموس آن از منشور واشنگتن در سال ۱۹۸۷ م تا امروز همواره مورد توجه بوده است. در حوزه مرور ادبیات، کتاب «منظر شهری تاریخی: مدیریت میراث در قرن شهری» اثری پیشگام است که مؤلفان آن، با پرداختن به تعاریف، اهداف، چالش‌ها و ابزارهای پیشنهادی به توصیه‌نامه ۲۰۱۱ یونسکو پرداخته‌اند (Bandarin et al, 2012). در توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی (۲۰۱۱ م)، حفظ میراث شهری و حفاظت از منابع، راهبردی برای رسیدن به تعادل میان توسعه شهری و کیفیت زندگی پایدار معرفی شده است. در این سند «میراث شهری، شامل مؤلفه‌های ملموس و ناملموس به‌مثابه منبعی اصلی در ارتقای سرزندگی مناطق شهری و ترویج توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی در محیط جهانی در حال تغییر به شمار می‌آید» (Unesco, 2011). تجارب حاصل از اجرای رویکرد منظر شهری، طی یک دهه اخیر، در اثری با نام «تغییر شکل حفاظت شهری: رویکرد منظر شهری تاریخی در عمل» که شامل گزارش‌هایی از ۲۸ شهر جهان است، مورد بررسی قرار گرفته‌اند (Pereira Roders & Bandarin, 2019). در این زمینه چندین رساله دکتری درباره تبیین چارچوبی برای حفاظت از منظر شهری تاریخی به تألیف رسیده‌اند (Eshrati 2012; Kiani Dehkiani, 2015).

چارچوب نظری

یکی از پیش‌شرط‌های لازم برای توسعه پایدار و زیست‌پذیری، توجه به مدیریت پایدار میراث شهری است که این مهم از طریق حفاظت و توسعه یکپارچه امکان‌پذیر است. حفاظت شهری بر مبنای رویکرد منظر تاریخی شهری، حفاظت و توسعه توأمان را مدنظر قرار می‌دهد. رویکرد منظر شهری تاریخی رویکرد منعطف، جامع و یکپارچه نگر است که هدف از آن ایجاد هم‌پیوندی و یکپارچگی بین شهر تاریخی و شهر جدید است. رویکرد منظر شهری شناسایی و حفظ ارزش‌ها و تداوم آن‌ها در کنار توجه به پویایی توسعه شهر را مدنظر قرار می‌دهد. این رویکرد از یک‌سو، با حفظ منابع موجود و از سوی دیگر با

ایجاد مدیریت یکپارچه در لایه‌های مختلف شهر و پایش مداوم آن به حفظ ارزش‌ها و اهمیت معنای شهر و بستر آن منجر می‌شود.

توجه به لایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در کنار لایه‌های فرهنگی به حفظ هویت شهری یاری می‌رساند و ارتقای کیفیت محیط انسان و زیست‌پذیری شهری را موجب می‌شود. منظر شهری قلمروی انسان ساختی است که توسط فرایندهای در جریان، هویت می‌یابد (Jokilehto, 2010: 61) منظر شهری تاریخی «را می‌توان به‌مثابه گردآورنده خاطره‌های جمعی هر جامعه در طول تاریخ در نظر گرفت که تغییراتی گسترده در آن، می‌تواند تداوم بین نسل‌ها را مخدوش ساخته و ساکنان را روزبه‌روز با چهره‌ای ناآشنا از شهر مواجه سازد.» اصطلاح منظر شهری تاریخی می‌تواند به‌عنوان تشخیص کیفی تاریخی یا محوطه‌ها، در جایی که تغییرات در بازه ایستا تا پویا رخ می‌دهد، شناخته شود (Ibid:16).

رویکرد منظر شهری تاریخی موجب تقویت و ساماندهی ارزش‌های سنتی میراث تاریخی و ایجاد و به‌کارگیری چارچوبی گسترده‌تر به‌منظور حفظ ارزش‌های میراث شهری دوران معاصر و آینده می‌شود. حس مکان از ویژگی‌های شهر تاریخی است. احساس تعلق به مکان را می‌توان رابطه‌ای عاطفی و پرمعنا بین شخص و مکان توصیف کرد. در حقیقت احساس تعلق به مکان، شاخصی است که از طریق آن می‌توان میزان متمایز بودن آن مکان را برای مردم نسبت به دیگر مکان‌ها سنجید. بنابراین ساختار محله طراحی شده بر پایه احساس تعلق، کمترین تأثیر را بر همبستگی اجتماعی دارد (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۰).

هویت، شرط لازم برای حیات اجتماعی است، همچنان که حیات اجتماعی لازمه ایجاد و تداوم هویت اجتماعی است. از منظر جامعه‌شناسی، هویت را در واقع باید حاصل یک فرایند اجتماعی شدن قلمداد کرد که امکان برقراری ارتباط معنادار و مستمر را میان افراد مهیا می‌سازد. به کلامی دیگر، هویت اجتماعی را می‌توان شیوه‌ای دانست که به‌واسطه آن افراد و گروه‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند (جیکینز، ۱۳۸۱: ۷). از همین رو هویت اجتماعی تداعی‌کننده نوعی اصالت و یگانگی قلمداد می‌شود (ورجوند، ۱۳۶۸: ۶۲). شهر را می‌توان به‌مثابه بستر مکانی شکل‌گیری هویت اجتماعی دانست. در واقع شهر به‌عنوان یک بستر مکانی حاوی عناصر مهمی از هویت اجتماعی است و همین هویت اجتماعی است که می‌توان از نظم و پیش‌بینی‌پذیری در

سپهر اجتماعی سخن گفت. احساس تعلق به شهر و مناطق شهروندی می‌تواند تداعی‌کننده نوعی هویت اجتماعی برای شهروندان باشد.

شهر تبلور عینی فرهنگ یک جامعه در هر عصری می‌تواند به شمار آید. شهر بی‌هویت آئینه انسان بی‌هویت و سرگردان به حساب می‌آید و انسان سرگردان و وامانده نیز در بستر شهری از هم‌گسیخته و نابهنجار رشد می‌کند. در شرایط واپس ماندگی فرهنگی در قلمرو شهر، واقعیت شهرنشینی جلوتر از فرهنگ ذهنی آن رشد خواهد کرد و بدین گونه پدیده "شهر بدون شهروند" متولد می‌شود. "شهر بدون شهروند" اشاره به واقعیتی دارد که از ناهمزمانی رشد شهرنشینی و رشد فرهنگ شهری ناشی می‌شود. در چنین شرایطی انسان منتقل شده به شهر درحالی که فاقد پیوند ارگانیک با حوزه زیستی خویش است. هیچ‌گونه پیوند زیستی با حوزه مکانی محل زندگی‌اش ندارد و محیط شهری بدل به چهره‌ای خصمانه و بیگانه در باور جمعی شهرنشینان می‌شود.

به‌طور کلی برخورداری از حقوق شهروندی در شهر ملات و ابزار مهمی است که موجبات تحکیم جامعه شهری، دوام روابط و مناسبات انسانی، افزایش حس هویت و تعلق اجتماعی در محیط شهری و سرانجام موجبات رشد و تعالی اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان شهری را موجب می‌گردد (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۳) و زیست‌پذیری در مناطق شهری را افزایش می‌دهد. منظر شهری تاریخی نقطه حرکتی را در مدیریت و توسعه شهری ایجاد می‌نماید. در نتیجه، به‌عنوان یک رویکرد، منظر شهری تاریخی بنیانی را برای "یکپارچگی حفاظت شهری در قالب یک چارچوب توسعه پایدار کلی" و "توسعه درک افراد از محیط و منظر تاریخی" فراهم می‌آورد.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و نظریات معاصر در زمینه منظر شهری تاریخی، حفظ اهمیت معنایی و همچنین حفظ تداوم اصالت و یکپارچگی آن از طریق مدیریت تغییرات شهر به‌عنوان مفاهیم پایه در رویکرد منظر شهری تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. میراث شهری برای بشریت یک دارایی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محسوب می‌شود که به واسطه لایه‌بندی‌های تاریخی از ارزش‌ها تعریف شده است. ارزش‌هایی که توسط فرهنگ‌های متوالی و موجود و انباشت سنت‌ها و تجارب تولیدشده‌اند و تنوعشان به رسمیت شناخته شده است (Unesco, 2011, Annex). ارزش مفهومی نسبی است که می‌تواند برحسب زمان، مکان و در بس‌ترهای فرهنگی متفاوت به‌صورت متنوع تبیین و تفسیر گردد. ساختارها، محوطه‌ها، منظرهای شهری و طبیعی، اهمیت معنایی و ویژگی

متمایز خود را از ارزش‌های شناخته شده اجتماعی و معنوی، تاریخی، هنری، زیبایی‌شناختی، طبیعی، علمی یا دیگر ارزش‌های فرهنگی خود کسب می‌کنند. مفهوم «اهمیت معنایی» در شهر تاریخی که بر اساس ارزش‌های ملموس و ناملموس آن شکل می‌گیرد، در بستر و زمینه خاص آن شهر معنا می‌یابد. بستر بخشی از مشخصه خاص و خصوصیت متمایز مکان را شکل می‌دهد (Ibid). بستر علاوه بر جنبه‌های بصری و فیزیکی هر چه را که ارتباط مستقیم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با این مناطق داشته باشند، شامل می‌شود. مناطق شهری، اهمیت و مشخصه خود را از روابط پرمعنا با زمینه و بستر فرهنگی، کالبدی، بصری و معنوی خود می‌گیرند. از جمله اعمال اجتماعی یا معنوی شامل رسوم، دانستنی، کاربری، فعالیت‌ها و دیگر اشکال جنبه‌های میراث فرهنگی ناملموس است که فضا و زمینه فعلی و پویایی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را ایجاد می‌کند و شکل می‌دهد (Ibid). تغییر تدریجی بستر شهرها در گذر زمان می‌تواند منجر به تغییر اهمیت معنای مکان شود. آنچه باید همواره مدنظر باشد این است که مداخله در بافت‌های شهری امری کاملاً اجتماعی است و با فرهنگ جامعه در ارتباط است. از این رو انتخاب روش‌ها و گزینه‌های مناسب برای مداخله می‌تواند خطر دگرگونی اجتماعی ناشی از جابجایی جمعیت را کاهش دهد و به جای سودآوری‌های اقتصادی، سودآوری‌های اجتماعی را در پی داشته باشد (سجادی، ژایلا، ۱۳۹۸: ۱۵۵).

اندیشمندانی همچون جاناتان رابان (۱۹۷۰)، رولان بارت (۱۹۷۲)، لوئیس مامفورد (۱۹۹۰) از عرصه‌های عمومی، بناها و یادمان‌های کالبدی فرهنگی یاد می‌کنند که در هر دوره زمانی در کنار هم چیده می‌شوند. بنیامین (۱۹۹۰) بر فضای کالبدی تاریخی - فرهنگی و به‌مثابه لایه‌ای از فضاها، فرهنگی معنا دار در شهر تأکید می‌نماید.

در حقیقت همه اندیشمندان یادشده علاوه بر مؤلفه‌های عرصه عمومی و البته فرهنگی بر مؤلفه عملکرد (تعاملات اجتماعی - فرهنگی) و مؤلفه معنا (جو حاکم به معنای ارزش‌ها و مفاهیم غالب نهفته در فضای فرهنگی شهر) نیز تأکید نموده‌اند؛ به طوری که رابان از مؤلفه عملکرد در فضای فرهنگی به تجارب شهری روزمره و از معنا به اسطوره‌ها، آرزوها و همه قصه‌های مردم اشاره می‌نماید. لوئیس مامفورد از عملکرد به روابط منسجم اجتماعی یاد می‌کند و معتقد است که در قالب آیین‌ها و تشریفات فرهنگی که نشانگر مؤلفه معنا هستند نمود می‌یابند. این در حالی است که بسیاری از مفسران و اندیشمندان فضای شهری مانند کامیلوسیت (۱۹۰۳)، پاتریک گدس (۱۹۶۱)، جین جیکبیز (۱۹۶۱)، ادموند بیکن (۱۹۷۵)،

مانوئل کاستلز (۱۹۷۷)، نوبربرگ شولتز (۱۹۸۰) و بسیاری دیگر در تعریف فضای شهری به مؤلفه و یا مؤلفه‌های نمادین کالبد، عملکرد، معنا در درون عرصه عمومی و نمادین اشاره نموده‌اند.

فضاهای فرهنگی به‌عنوان یک عامل مؤثر در رویکرد و تجربه زیسته شهروندان عبارتند از بناها، فضاهای فرهنگی، عرصه‌های اجتماعی و در حالت کلی، هر عنصری که به طرز مطلوبی شاخص باشد و بستر مناسبی را برای شکل‌گیری رویدادهای جمعی و ثبت خاطرات جمعی شهروندان فراهم آورد. فضاهای فرهنگی - اجتماعی به علت وجود کارکردهای متفاوت اجتماعی (به‌عنوان بستر تعاملات اجتماعی شهروندان)، سیاسی و توسعه دموکراسی (به‌عنوان بستری برای تعامل و تفاهم میان حاکمان و شهروندان) (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۲) و همچنین به‌عنوان مکان‌های سالم برای گذران اوقات فراغت شهروندان مورد توجه قرار می‌گیرند. علاوه بر این فضاهای فرهنگی از طریق افزایش توریست و سرمایه‌گذاری اقتصادی، کمک وسیعی در ایجاد سلامتی و بهبود زیست‌پذیری شهرها می‌نماید. این فضاها در تعیین هویت شهر و ارتقا فرهنگ شهروندی نقش فراوانی دارد (جعفری؛ زهتابیان، ۱۳۸۵: ۱).

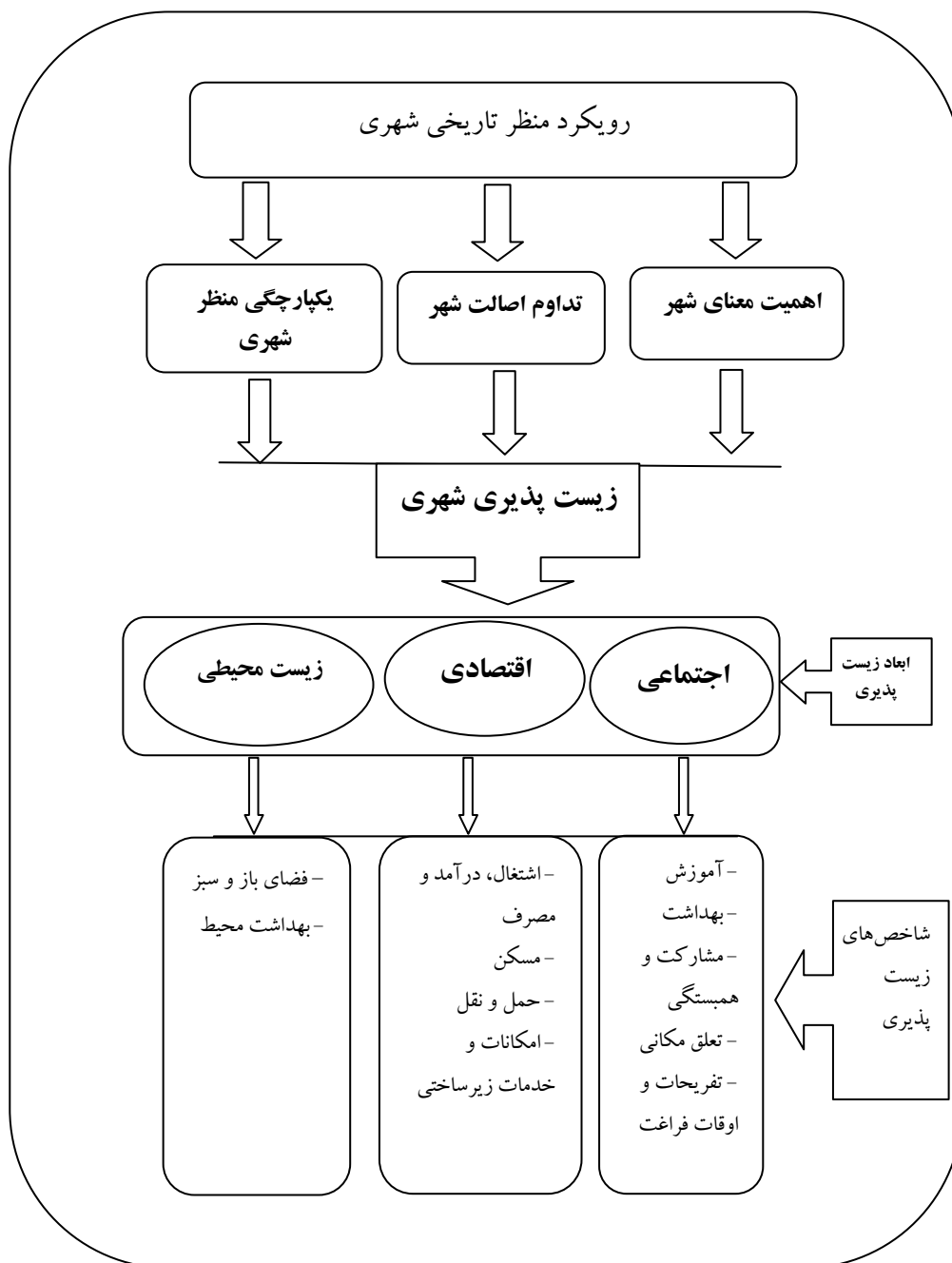
در رویکرد انسان شناختی به مفهوم «فضا» اندیشه‌های «هانری لوفیر» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وی فضا را یک تمامیت تاریخی و یک تولید اجتماعی دانسته که از یک‌سو تجربه حافظه تاریخی انسان‌ها و از سوی دیگر تجربه زندگی روزمره آن‌ها را شکل می‌دهد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۶). هابرماس در نظریه «الگوی ارتباطی حوزه عمومی» اصطلاح حوزه عمومی را برای اطلاق بر عرصه‌ای اجتماعی به کار می‌برد که در آن افراد از طریق مفاهمه و استدلال مبتنی بر تعقل و در شرایطی برابر و به دور از هرگونه فشار، مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را تولید می‌کند (Habermas, 1991: 31).

پیر بوردیو فضای اجتماعی را باز نمودی انتزاعی از قالبی می‌داند که شیوه‌های زندگی در ارتباط با فضای زندگی روزمره در آن شکل می‌گیرد. رابطه‌ای دوسویه میان دو نوع قابلیت تعیین‌کننده رفتار به وجود می‌آید: قابلیت تولید اعمال از یک‌سو و قابلیت ارزیابی این اعمال از سوی دیگر. افراد برای انجام کارهایشان نیاز به مفاهیمی دارند تا به ساختارهای نظری و عملی جامعه نظم بخشند. این مفاهیم و الگوها را نظام اجتماعی برای مردم می‌سازد (فکوهی و اوحدی، ۱۳۹۱: ۶۲). عرصه فرهنگی فضایی مناسب برای بروز خلاقیت‌ها، انتخاب‌ها، کنش‌ها و تبادل سرمایه بر حسب ویژگی‌های میدان و عادت‌واره‌هایی است که بوردیو از آن‌ها نام می‌برد.

در تجمیع دیدگاه‌های فوق فضا و بستر شهری را می‌توان عرصه‌ای عمومی با مؤلفه کالبد که در برگیرنده فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی افراد می‌باشد دانست که فرد از طریق ارتباط با مجموعه‌ای از نمادها و نشانه‌های کالبدی به کشف معنای آن فضا (بستر فرهنگی و جامعه‌شناسانه حاصل از ارزش‌های فرهنگی - تاریخی شهر) نائل می‌گردد. آن چه تغییر را مورد سنجش و ارزش‌ها و اهمیت معنایی شهر را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، میزان اصالت و یکپارچگی شهر است. چنانچه شهر، اصیل و یکپارچه باشد اهمیت معنای آن با وجود تغییر، محفوظ خواهد ماند.

اصالت، حصول اطمینان از طی روندی اصیل در خلق اثر است. به‌گونه‌ای که نماینده حقیقی فرهنگ در زمانه خود باشد (طالبیان و فلاح، ۱۳۸۸: ۲۰). اصالت ویژگی است که به‌طور راستین بازتاب دهنده و متضمن ارزش‌های میراث فرهنگی هر مکان است. اصالت بیش از مکان، به مردم و فرهنگ و سنت‌های آنها مرتبط است، بنابراین نیازمند توجه به بستر فرهنگی، عقاید و مفاهیم مرتبط با آن است. مفهوم اصالت در قلمرو منظر فرهنگی با تأکید بر نقش توأمان مؤلفه‌های اصالت و یکپارچگی تبیین می‌شود (Rossler, 2008). یکپارچگی به معنای سلامت و تمامیت منبع میراثی است، منبع میراثی هنگامی می‌تواند خود را دارای یکپارچگی بداند که ارزش‌هایی که برای آن تعیین شده‌اند، دچار اختلال و یا در معرض خطر نباشند (Unesco-2009). یکپارچگی منظر شهری می‌تواند به‌عنوان جایگاهی تعریف شود که طبق آن تعاملات تاریخی انسان و طبیعت که منظر فرهنگی را به وجود آورده همچنان باقی مانده باشد.

همانند مؤلفه اصالت، در یکپارچگی شهر نیز باید به جنبه‌های ملموس و ناملموس توجه شود. یکپارچگی از نظر عملکردی - اجتماعی، ساختاری - تاریخی و بصری - زیباشناختی در شهر اهمیت زیادی دارد. یکپارچگی عملکردی - اجتماعی هر مکان، شناسایی عملکردها و فرایندهایی است که در طول زمان، تکامل شهر بر آنها پایه‌گذاری شده است. هویت فضایی عناصری که چنین عملکردها و فرایندهای دارند به تعیین یکپارچگی ساختاری - تاریخی آن مکان کمک می‌کند. همچنین این عناصر به محیط، روح بخشیده و با ایجاد یکپارچگی بصری - زیست‌شناختی به تبیین جنبه‌های زیبایی‌شناسانه محیط کمک می‌کنند (Jokilehto, 2010).



شکل ۱- مدل نظری تحقیق

بحث ارتقاء و توسعه کیفیت فضاهای فرهنگی - اجتماعی مناسب، پویا و زنده به‌عنوان یکی از اهداف راهبردی ارتقای کیفیت محیط و زیست‌پذیری شهری مورد توجه برنامه‌ریزان بوده است. به‌طور کلی هر چه فضای فرهنگی - اجتماعی شهر از کیفیت بیشتر و بالاتری برخوردار باشد، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی در پی انجام فعالیت‌های جمعی از قبیل دیدار، گپ و گفتگو، بازی، ورزش و غیره فراهم شده و فضای یادشده در نتیجه فعالیت‌های فوق تبدیل به مکانی واجد ویژگی‌های شهر زیست‌پذیر می‌شود.

بر این اساس فرضیات اصلی تحقیق عبارتند از:

- بین حفظ اهمیت معنای شهر و زیست‌پذیری شهری رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین تداوم اصالت فرهنگی و تاریخی شهر و زیست‌پذیری شهری رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین یکپارچگی منظر شهری و زیست‌پذیری شهری رابطه معنی داری وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

با توجه به ماهیت فرضیات، تحقیق حاضر به لحاظ هدف شناختی و با توجه به ماهیت و هدف پژوهش که شناخت وضعیت زیست‌پذیری در شهر ایلام و بررسی رویکرد فرهنگی شهروندان و تأثیر آن بر احساس زیست‌پذیری شهری است، از نوع تحقیقات پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری " کلیه شهروندان زن و مرد بالای ۱۸ سال ساکن در شهر ایلام " هستند که بر اساس آمار سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایلام ۱۵۵۲۸۹ نفر بوده‌اند، تعریف شده است. بنابراین و بر اساس فرمول کوکران تعداد نمونه مورد مطالعه در کل شهر ایلام با در نظر گرفتن ۰/۰۵ خطا ۳۸۳ نفر می‌باشد که با در نظر گرفتن تعداد جمعیت افراد ۱۸ سال و بالاتر در هر محله، توزیع شده‌اند. در تحقیق حاضر، با توجه به بزرگ بودن جامعه آماری و عدم دسترسی به چارچوب آماری و نیز وقت گیر و پرهزینه بودن تهیه چارچوب آماری فوق، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم استفاده شده است. شهر ایلام از ۴ ناحیه و ۲۱ محله شهری تشکیل شده است. از این رو از هر ناحیه ۳ محله انتخاب شده است. سپس از هر محله بعد از فهرست برداری بلوک‌ها، تعدادی بلوک انتخاب و در مرحله آخر تعدادی از افراد ۱۸ ساله و بالاتر بصورت تصادفی برای مصاحبه انتخاب شدند. در خصوص روایی متغیر مستقل تحقیق باید گفت که ابزارهای سنجش در اختیار

اساتید، کارشناسان و افرادی از جامعه آماری در قالب PreTest قرار گرفت تا ضمن بررسی برداشت و درک آن‌ها از سؤالات، از نظر جمله بندی و ترتیب و شکل نیز مورد بررسی قرار بگیرند. میانگین کل CVR ابزار برابر با ۰/۸۳۳ به دست آمده است.

جدول ۱- ابعاد و شاخص‌های زیست‌پذیری شهری

ابعاد	شاخص‌ها	محققان
اقتصادی	داشتن شغل مناسب - درآمد مناسب - خانوار- درآمد مناسب حاصل از فرصت‌های شغلی- تعدد فرصت‌های شغلی - رضایت از هزینه‌های مسکن و زمین- رضایت از هزینه‌های روزمره- رضایت از میزان هزینه‌های دسترسی‌ها و حمل‌ونقل - تمایل به سرمایه گذاری در شهر	Burden and Litman(2001), Wheeler(2011), congress for New Urbannism(2011)
اجتماعی	مشارکت و همبستگی در امور محله- رضایت از آموزش‌های عمومی- رضایت از کیفیت خدمات بهداشتی - میزان ارتباط با مدیران و مسئولین شهری - تراکم جمعیت در محلات - میزان حضور در اماکن عمومی- رضایت از روابط اجتماعی محله‌ها - امنیت فردی و اجتماعی - امنیت زنان و کودکان در طی شبانه روز - پیوستگی و تعلق به مکان - تمایل به زندگی و ماندگاری	رفیعیان و مولوی (۱۳۹۰)، فتحعلیان و پرتوی (۱۳۹۰)، روت وینهون (۱۹۹۵)، تاونسند (۱۹۹۹)، ثاربی (۲۰۰۳)، ساورت ورت (۲۰۰۳)، لولبی و همکاران (۲۰۱۰)، طرح و نکوور (۲۰۰۲)، بندرآباد (۱۳۹۰)، لیتمن (۲۰۰۴) National Reseach Council(2002) For New Urbanism(2011)
زیست‌محیطی	برخورداری از دفع فاضلاب بهداشتی - کیفیت و جمع آوری و دفع آب‌های سطحی- رضایت از فقدان آلودگی صوتی - رضایت از کیفیت هوا- رضایت از پاکیزگی محیط و چشم انداز- وسعت فضاهای سبز و کیفیت مناسب آن‌ها- چشم انداز مناسب ساختمان‌ها و معماری بناها	رفیعیان و مولوی (۱۳۹۰)، فتحعلیان و پرتوی (۱۳۹۰)، ثاربی (۲۰۰۳)، ساورت ورت (۲۰۰۳)، لولبی و همکاران (۲۰۱۰)، طرح و نکوور (۲۰۰۲)، بندرآباد (۱۳۹۰)

جدول ۲- ابعاد و شاخص‌های رویکرد منظر تاریخی شهری

متغیر	ابعاد	شاخص‌ها
رویکرد منظر تاریخی شهری	اهمیت معنای شهر	بستر کالبدی: نمادها و نشانه‌های شهری - نماهای شهری - مبلمان شهری - راه‌ها و گرهِهای شهری بستر بصری - بستر فرهنگی - بستر معنوی
	اصالت	ثبات - تغییر - تداوم
	یکپارچگی	بصری - زیباشناختی: حفظ ساختارهای گذشته - آگاهی به فضا - هماهنگی - ترکیب - تناسب - تقارن - سادگی ساختاری-تاریخی: پیوند فضا- نظم سازمند- توسعه و رشد- شکل‌گیری مراکز- پیوستگی کالبدی- فعالیت‌های انسانی- ارتباط. عملکردی-اجتماعی: ارگانیک و زنده بودن- حس مکان- داستان‌ها- زیبایی‌شناسی- خاطرات- نمادهای اعتقادی- معنویت.

در مورد پایایی و دستیابی به نتایج مشابه در صورت تکرار تحقیق، از روش اعتبار درونی وسیله اندازه‌گیری با محاسبه آلفای کرونباخ^۱ توسط نرم افزار Spss استفاده شده است. نتایج حاصله برای زیست‌پذیری ۰,۸۲۸ و برای رویکرد منظر تاریخی شهری برابر با ۰/۸۲۴ بوده است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا آمارهای توصیفی مربوط به سنجه‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری زیست‌پذیری شهری (زیست‌پذیری اقتصادی، زیست‌پذیری اجتماعی و زیست‌پذیری زیست‌محیطی) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بخش دوم فرضیات تحقیق یعنی رابطه بین ابعاد متغیر مستقل تحقیق (رویکرد منظر تاریخی شهری) با زیست‌پذیری شهری با استفاده از آزمون roh اسپیرمن و به‌منظور سنجش تفاوت میانگین ابعاد مختلف زیست‌پذیری از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه^۲ استفاده شده است. سپس برای تعیین میزان اثرگذاری ابعاد متغیر مستقل بر متغیر وابسته و تحلیل مشارکت جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل در تغییرات متغیر وابسته و نیز ارزیابی مدل

1. Cronbach Alpha
2. ANOVA

تحلیلی، از رگرسیون چند متغیره استفاده و مدل تجربی تحقیق بر اساس نتایج حاصله ترسیم شده است. روش‌های متفاوتی برای تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرهای پیش بین وجود دارد، روشی که در این تحقیق از آن استفاده شده است عبارت است از: روش "هم زمان"، که در spss آن را روش Enter می‌خوانند.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصله در خصوص ابعاد زیست‌پذیری شهری حاکی از آن است که: بر مبنای یک مقیاس ۱۸ تا ۹۰، میانگین زیست‌پذیری اقتصادی در بین پاسخگویان (۴۹/۱۰) می‌باشد که حاکی از زیست‌پذیری متوسط آن‌ها است. این میانگین برحسب متغیر مستقل تحقیق تقریباً ثابت است و دامنه انحراف از آن زیاد نیست. در خصوص زیست‌پذیری اجتماعی، بر مبنای یک مقیاس ۱۹ تا ۹۵، میانگین پاسخگویان (۵۵/۰۰) بوده است که از زیست‌پذیری متوسط آن‌ها حکایت می‌کند. میزان زیست‌پذیری بر اساس متغیر مستقل تحقیق نیز مؤید این میانگین است. آخرین بُعد از ابعاد سه گانه زیست‌پذیری شهری، زیست‌پذیری زیست‌محیطی است که آماره‌های توصیفی آنرا نشان می‌دهند. میانگین زیست‌پذیری زیست‌محیطی در بین پاسخگویان برابر با (۳۲/۶۶) بوده است. با توجه به دامنه این مقیاس که بین ۱۱ تا ۵۵ می‌باشد حاکی از زیست‌پذیری بالای زیست‌محیطی است.

در خصوص فرضیات تحقیق نیز باید گفت: جهت سنجش رابطه بین متغیرها با توجه به سطح سنجش آن‌ها و پس از کدگذاری‌های مجدد از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. همانطور که داده‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد در خصوص رابطه بین حفظ اهمیت معنای شهر با میزان زیست‌پذیری شهری از ابعاد مختلف آن، مقدار roh اسپیرمن محاسبه شده برای متغیر مستقل با زیست‌پذیری اجتماعی (۰/۲۹۳)، برای زیست‌پذیری اقتصادی (۰/۱۸۶) و برای زیست‌پذیری زیست‌محیطی برابر با (۰/۱۵۷) می‌باشد. با توجه با سطح معناداری (sig= ۰/۰۰۰) به دست آمده حاکی از وجود رابطه مثبت و نسبتاً متوسط بین این دو متغیر است. به عبارت دیگر با احساس حفظ اهمیت معنای شهر در بین ساکنان شهر میزان زیست‌پذیری شهر در ابعاد مختلف آن هم افزایش می‌یابد.

همچنین داده‌های جدول در خصوص رابطه بین میزان تداوم اصالت فرهنگی و تاریخی شهر و میزان زیست‌پذیری در ابعاد مختلف آن نشان می‌دهد که، مقدار roh اسپیرمن به

دست آمده برای متغیر مستقل با زیست‌پذیری اجتماعی برابر با (۰/۱۷۲)، با زیست‌پذیری اقتصادی برابر با (۰/۱۷۶) و با زیست‌پذیری زیست‌محیطی برابر با (۰/۱۷۷) می‌باشد. با توجه به میزان معناداری (sig=۰/۰۰۱) می‌باشد. چون سطح معناداری کمتر از میزان قابل قبول در تحقیقات اجتماعی یعنی (۰/۰۵) است، پس رابطه موجود معنادار بوده و می‌توان گفت بین تداوم اصالت فرهنگی و تاریخی شهر و میزان زیست‌پذیری شهر رابطه مثبت و متوسطی وجود دارد. جدول شماره (۳) نتایج حاصل از آزمون همبستگی را نشان می‌دهد.

جدول ۳- ضریب همبستگی متغیرهای مستقل با ابعاد زیست‌پذیری شهری

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	نوع آزمون همبستگی	ضریب همبستگی	ضریب معناداری	نوع رابطه	نتایج آزمون
حفظ اهمیت معنای شهر	زیست‌پذیری اجتماعی	ضریب اسپیرمن	۰/۲۹۳	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری اقتصادی	ضریب اسپیرمن	۰/۱۸۶	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری زیست‌محیطی	ضریب اسپیرمن	۰/۱۵۷	۰/۰۰۲	مستقیم	تأیید
تداوم اصالت	زیست‌پذیری اجتماعی	ضریب اسپیرمن	۰/۱۷۲	۰/۰۰۱	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری اقتصادی	ضریب اسپیرمن	۰/۱۷۶	۰/۰۰۱	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری زیست‌محیطی	ضریب اسپیرمن	۰/۱۷۷	۰/۰۰۱	مستقیم	تأیید
یکپارچگی شهری	زیست‌پذیری اجتماعی	ضریب اسپیرمن	۰/۲۴۱	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری اقتصادی	ضریب اسپیرمن	۰/۱۷۸	۰/۰۰۰	مستقیم	تأیید
	زیست‌پذیری زیست‌محیطی	ضریب اسپیرمن	۰/۰۲۲	۰/۶۶۲	مستقیم	رد

(مأخذ نگارندگان، ۲۰۱۹)

یافته‌های جدول (۳) در خصوص رابطه بین دو متغیر میزان یکپارچگی منظر شهری و میزان زیست‌پذیری شهری در ابعاد مختلف آن حاکی از آن است که مقدار roh اسپیرمن محاسبه شده برای متغیر مستقل با زیست‌پذیری اجتماعی برابر با (۰/۲۴۱)، با زیست‌پذیری اقتصادی برابر با (۰/۱۷۸) و میزان معناداری (sig=۰/۰۰۰) می‌باشد. بنابراین بین میزان یکپارچگی منظر شهری و میزان زیست‌پذیری اجتماعی و اقتصادی شهر رابطه مثبت و ضعیفی وجود دارد. در خصوص رابطه بین میزان یکپارچگی منظر شهری و میزان زیست‌پذیری زیست‌محیطی شهر مقدار roh اسپیرمن محاسبه شده (۰/۰۸۴) و معناداری (sig=۰/۶۶۲) می‌باشد، بنابراین با توجه به این که مقدار p بیشتر از (۰/۰۵) می‌باشد، پس رابطه به دست آمده معنادار نمی‌باشد و فرضیه رابطه بین میزان یکپارچگی منظر شهری و زیست‌پذیری شهری رد می‌شود.

به‌منظور سنجش تفاوت میانگین میزان زیست‌پذیری در ابعاد مختلف آن از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه^۱ استفاده شده است. با توجه به این که این آزمون، تفاوت میانگین یک متغیر در بین بیش از دو گروه را بررسی می‌کند، از این آزمون بهره برده شده است. همچنین قبل از آزمون F از طریق آزمون همگنی واریانس لون، برابر بودن واریانس گروه‌ها به تأیید رسیده است. مطابق با جدول شماره (۴) نتیجه آزمون مبنی بر معنی‌داری تفاوت میانگین متغیر مورد بررسی در بین گروه‌ها معطوف به معنی‌داری مقدار آزمون F است. همان‌طور که از داده‌های جدول هویدا است تحلیل واریانس دو متغیر حفظ اهمیت معنای شهر و ابعاد زیست‌پذیری نشان می‌دهد که، مقدار F محاسبه شده برای زیست‌پذیری اجتماعی برابر با (۸/۲۳۳)، برای زیست‌پذیری اقتصادی برابر با (۵/۴۴۰) و برای زیست‌پذیری زیست‌محیطی برابر با (۳/۵۵۷) و سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) می‌باشد، پس فرض H0 مبنی بر عدم تفاوت میانگین در بین افراد متعلق به گروه‌های مختلف بر اساس میزان درک حفظ اهمیت معنای شهر رد و فرض H1 پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر تفاوت میانگین موجود در زیست‌پذیری در همه ابعاد آن در میان افراد دارای احساس متفاوت از حفظ اهمیت معنای شهر معنادار است.

یافته‌های جدول (۴) همچنین در خصوص تحلیل واریانس دو متغیر میزان تداوم اصالت فرهنگی و تاریخی شهر و میزان زیست‌پذیری نشان می‌دهد که مقدار F محاسبه

شده بین متغیر مستقل با زیست‌پذیری اجتماعی برابر با (۴/۲۹۳) و سطح معنی داری (sig=۰/۰۰۲) با زیست‌پذیری اقتصادی برابر با (۳/۳۳۵) و سطح معنی داری (sig=۰/۰۱۱) می‌باشد، همچنین مقدار F محاسبه شده بین میزان تداوم اصالت فرهنگی و تاریخی شهر با زیست‌پذیری زیست‌محیطی برابر با (۵/۵۶۴) و سطح معنی داری (۰,۰۰۰) می‌باشد، پس فرض H0 رد و فرض H1 مبنی بر تفاوت بین میانگین زیست‌پذیری اجتماعی و اقتصادی و زیست‌محیطی شهر بر حسب میزان تداوم اصالت فرهنگی و تاریخی شهر تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر میانگین زیست‌پذیری اجتماعی و اقتصادی و زیست‌محیطی شهر در گروه‌های مختلف بر حسب میزان احساس تداوم اصالت فرهنگی و تاریخی شهر تفاوت معناداری با هم دارند.

جدول ۴- نتایج آزمون تفاوت میانگین (تحلیل واریانس یک طرفه) ابعاد زیست‌پذیری شهری

شماره فرضیه	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	درجه آزادی	مقدار F	ضریب معناداری
۱	حفظ اهمیت معنای شهر	زیست‌پذیری اجتماعی	۴	۸/۲۳۳	۰/۰۰۰
۲	حفظ اهمیت معنای شهر	زیست‌پذیری اقتصادی	۴	۵/۴۴۰	۰/۰۰۰
۳	حفظ اهمیت معنای شهر	زیست‌پذیری زیست‌محیطی	۴	۳/۵۵۷	۰/۰۰۷
۴	تداوم اصالت	زیست‌پذیری اجتماعی	۴	۴/۲۹۳	۰/۰۰۲
۵	تداوم اصالت	زیست‌پذیری اقتصادی	۴	۳/۳۳۵	۰/۰۱۱
۶	تداوم اصالت	زیست‌پذیری زیست‌محیطی	۴	۵/۵۶۴	۰/۰۰۰
۷	یکپارچگی منظر شهری	زیست‌پذیری اجتماعی	۴	۷/۶۱۸	۰/۰۰۰
۸	یکپارچگی منظر شهری	زیست‌پذیری اقتصادی	۴	۳/۶۰۸	۰/۰۰۷
۹	یکپارچگی منظر شهری	زیست‌پذیری زیست‌محیطی	۴	۰/۹۶۱	۰/۴۲۹

(مأخذ نگارندگان، ۲۰۱۹)

داده‌های جدول ۴ در خصوص تحلیل واریانس دو متغیر میزان یکپارچگی منظر شهری با زیست‌پذیری نشان می‌دهد که مقدار F محاسبه شده برای متغیر مستقل با زیست‌پذیری اجتماعی برابر با (۷/۶۱۸) و سطح معنی داری (۰,۰۰۰) با زیست‌پذیری

اقتصادی برابر با (۳/۶۰۸) و سطح معنی داری (۰/۰۰۷) می‌باشد، پس فرض H_0 رد و فرض H_1 مبنی بر تفاوت بین میانگین زیست‌پذیری اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی شهر بر حسب احساس شهروندان از میزان یکپارچگی منظر شهری تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر میانگین زیست‌پذیری در بُعد اجتماعی و اقتصادی در گروه‌های مختلف بر حسب میزان یکپارچگی منظر شهری تفاوت معناداری با هم دارند. همچنین تحلیل واریانس دو متغیر میزان یکپارچگی منظر شهری و زیست‌پذیری زیست‌محیطی حاکی از آن است که مقدار F محاسبه شده برابر با (۰/۹۶۱) و سطح معنی داری (sig=۰/۴۲۹) می‌باشد، پس فرض H_0 مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین زیست‌پذیری زیست‌محیطی شهر بر حسب میزان یکپارچگی منظر شهری تأیید و فرض H_1 ابطال می‌گردد.

همچنین به منظور تحلیل مشارکت جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل در تغییرات متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیری استفاده شده است. با توجه به این که در تحلیل رگرسیون چند متغیری انتخاب متغیرهای پیش بین (مستقل) باید به گونه‌ای باشد که احتمال همبستگی با متغیر ملاک (وابسته) را داشته باشند ولی با سایر متغیرهای پیش بین ارتباط قوی نداشته باشند، در این بخش به سنجش میزان همبستگی متغیرهای مستقل با همدیگر اقدام شده است. جدول شماره (۵) ضریب همبستگی محاسبه شده بین متغیرهای مستقل تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۵- ضریب همبستگی محاسبه شده بین متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر	زیست‌پذیری شهری		حفظ اهمیت معنای شهر		تداوم اصالت		یکپارچگی منظر شهری	
	معناداری	همبستگی	معناداری	همبستگی	معناداری	همبستگی	معناداری	همبستگی
زیست‌پذیری شهری	-	-	-	-	-	-	-	-
حفظ اهمیت معنای شهر	۰/۱۶۵	۰/۰۰۱	-	-	-	-	-	-
تداوم اصالت	۰/۴۱۳	۰/۰۰۰	۰/۱۶۴	۰/۰۰۱	-	-	-	-
یکپارچگی منظر شهری	۰/۲۴۲	۰/۰۰۰	۰/۰۸۳	۰/۰۵۲	۰/۱۵۰	۰/۰۰۲	-	-

(مأخذ نگارندگان، ۲۰۱۹)

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود مقدار همبستگی به دست آمده برای هر جفت از متغیرهای مستقل بسیار ضعیف است. با توجه به این که در این بخش تأکید بر عدم ارتباط و همبستگی قوی بین متغیرها پیش بین است، نتایج حاصل قابل قبول می‌باشد. از آن جا که این مقیاس در صدد است که نشان دهد با شناختن متغیرهای پیش بین به چه میزان می‌توان نسبت به پیش‌بینی متغیر ملاک اقدام کرد، باید ارزیابی از میزان موفقیت مدل انتخاب شده را هنگام کاربرد آن در محیط واقعی تخمین زد. جدول شماره (۶) ارزیابی مدل تحلیلی زیست‌پذیری شهری را نشان می‌دهد.

جدول ۶- ارزیابی میزان موفقیت مدل تحلیلی در پیش‌بینی زیست‌پذیری شهری

مدل	R	مجذور R	مجذور R تنظیم شده	انحراف تخمی زده‌شده
۱	۰/۳۹۶	۰/۱۵۷	۰/۱۴۸	۱۰/۴۲۷۸۵

(مأخذ نگارندگان، ۲۰۱۹)

داده‌های جدول (۶) نشان می‌دهد که، مقدار R تنظیم شده برابر با (۰/۱۴۸) می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت مدل تحلیلی مورداستفاده ۱۴/۸٪ تغییر در میزان زیست‌پذیری شهری را محاسبه کرده است. به عبارت دیگر ۱۴/۸٪ تغییرات زیست‌پذیری شهری بر اساس متغیرهای حفظ اهمیت معنای شهر، تداوم اصالت فرهنگی و تاریخی شهر و میزان یکپارچگی منظر شهری قابل پیش‌بینی است. داده‌های بتا در جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که میزان اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر میزان زیست‌پذیری شهری برابر با حفظ اهمیت معنای شهر (۰/۲۰۰)، تداوم اصالت فرهنگی و تاریخی شهر (۰/۰۶۱) و میزان یکپارچگی منظر شهری (۰/۲۲۷) درصد بوده است.

جدول ۷- خروجی رگرسیون به روش Enter تاثیر متغیرهای مستقل بر زیست پذیری شهری

سطح معنی داری	T	ضریب‌های استاندار	ضریب‌های غیر استاندارد		مدل
		بتا	خطای استاندارد	B	
۰,۰۰۰	۷,۵۱۴	-	۳,۶۵۶	۲۷,۴۷۰	مقدار ثابت
۰,۰۰۰	۴,۱۳۳	۰,۲۰۰	۱,۰۳۸	۴,۲۸۹	حفظ اهمیت معنای شهر
۰,۰۲۷	۱,۲۶۴	۰,۰۶۱	۰,۶۲۰	۰,۷۸۴	تداوم اصالت
۰,۰۰۰	۴,۶۷۸	۰,۲۲۷	۰,۵۴۰	۲,۵۲۶	یکپارچگی منظر شهری

(مأخذ نگارندگان، ۲۰۱۹)

با توجه به این که در تحقیقات اجتماعی معمولاً شناسایی کلیه عوامل تأثیرگذار بر متغیر وابسته برای محقق امکان پذیر نیست، بنابراین متغیرهای تحلیل مسیر همواره می‌توانند تنها بخشی از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. به همین دلیل در تحلیل مسیر آن چه که به عنوان اثر یا عوامل ناشناخته باقی می‌ماند به وسیله «e» که به «کمیت خطا» معروف است، نشان داده می‌شود. مقدار e بیان گر میزان واریانس متغیری است که متغیرهای مستقل قبلی در مدل قادر به تبیین آن نبوده‌اند. با مجذور کردن e، واریانس تبیین نشده به دست می‌آید. چنان چه مقدار e^2 از عدد ۱ کم شود مقدار واریانس تبیین شده (R^2) به دست می‌آید. به عبارت دیگر:

$$R^2 = 1 - e^2$$

بر اساس فرمول بالا:

$$e^2 = 1 - 0/148$$

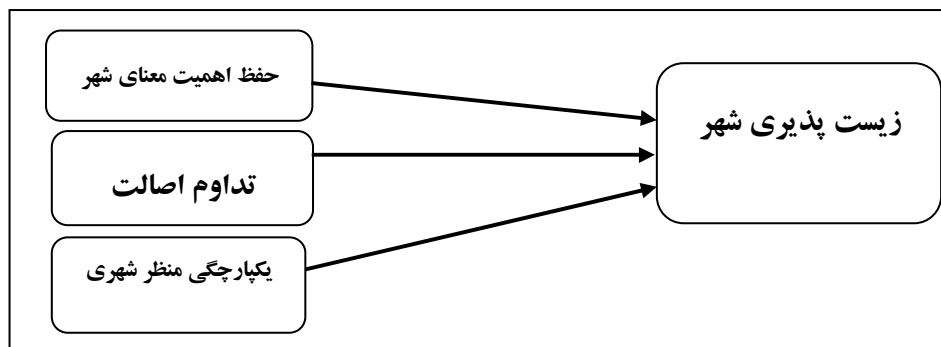
$$R^2 = 0/148 \text{ و } e^2 = 0/852$$

پس:

با توجه به این که مقدار R^2 برابر با ۰/۱۴۸ شده است، می‌توان گفت ۱۴/۸ درصد از واریانس میزان رضایت از زیست‌پذیری شهری توسط مدل تبیین شده و ۸۵/۲ درصد از واریانس زیست‌پذیری شهر توسط مدل تبیین نمی‌شود.

بر اساس نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیری مدل تجربی تحقیق به شرح صفحه

بعد می‌باشد:



شکل ۲- مدل تجربی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان رضایت از زیست‌پذیری شهر

نتیجه‌گیری

زیست‌پذیری در معنای اصلی و کلی خود به مفهوم دستیابی به قابلیت زندگی است. اصطلاح زیست‌پذیری اشاره به درجه تأمین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت افراد آن جامعه دارد. هدف کلی این تحقیق بررسی رابطه بین رویکرد منظر تاریخی شهری بر میزان رضایت از زیست‌پذیری شهر ایلام می‌باشد. یافته‌های تحقیق در خصوص میزان رضایت از ابعاد مختلف زیست‌پذیری نشان می‌دهد که شهروندان رضایت متوسطی از زیست‌پذیری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی شهر داشته‌اند. نتایج حاصله در خصوص ابعاد زیست‌پذیری شهری حاکی از آن است که: بر مبنای یک مقیاس ۱۸ تا ۹۰، میانگین رضایت از زیست‌پذیری اقتصادی در بین پاسخگویان (۴۹/۱) می‌باشد که حاکی از رضایت متوسط آن‌ها است. این میانگین رضایت بر حسب متغیرهای مستقل تحقیق تقریباً ثابت است و دامنه انحراف از آن زیاد نیست. در خصوص رضایت از زیست‌پذیری اجتماعی، بر مبنای یک مقیاس ۱۹ تا ۹۵، میانگین پاسخگویان (۵۵/۰۰) بوده است که از رضایت متوسط آن‌ها حکایت می‌کند. میزان رضایت بر اساس متغیرهای مستقل تحقیق نیز مؤید این میانگین است. آخرین بُعد از ابعاد سه‌گانه زیست‌پذیری شهری، زیست‌پذیری زیست‌محیطی است که آماره‌های توصیفی آن نشان می‌دهد، میانگین رضایت از زیست‌پذیری زیست‌محیطی در بین پاسخگویان برابر با (۳۲/۶۶) بوده است. دامنه این مقیاس که بین ۱۱ تا ۵۵ می‌باشد حاکی از رضایت بالای پاسخگویان از زیست‌پذیری زیست‌محیطی است.

یافته‌های این پژوهش حاکی از رابطه معنی‌دار بین دو متغیر حفظ اهمیت معنای شهر با میزان رضایت از زیست‌پذیری شهری است. در خصوص تبیین مکانیسم این رابطه می‌توان گفت یافته‌های مربوط به ارزش‌های ملموس و ناملموس نشان می‌دهد در مجموع بیشتر پاسخگویان از شهروندی فرهنگی بالای برخوردار هستند، یعنی هم تفاوت‌های فرهنگی در یک مجموعه شهری را می‌پذیرند و هم گرایش‌های فرهنگی خوبی دارند که از لحاظ ساختار ذهنی، پذیرای حضور شهروندانی که با آن‌ها در زبان، مذهب و فرهنگ‌های قومی متفاوتند، می‌باشند. بنابراین این سرمایه فرهنگی می‌تواند به پایداری و زیست‌پذیری شهری که غایت آن حس تعلق به مکان، هویت محلی، سرمایه اجتماعی، همبستگی، عدالت و صمیمیت است بینجامد. در حالی که با توجه به نظریه یانگ و کیملیکا در شهروندی فرهنگی، شهروندان باید برای حفظ فرهنگشان دارای حقوق خاص بوده و از همه مزایای شهروندی برخوردار باشند. طبق داده‌های به دست آمده هر چه میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و تمایلشان برای اجرای تعهدات کمتر باشد، کمتر تنوعات فرهنگی مانند تنوع قومی، زبانی و مذهبی و... را می‌پذیرند و ساختار ذهنی نامناسب‌تر و گرایش‌های فرهنگی پایین‌تر دارند و بنابراین شرایط زیست‌پذیری بخصوص میزان رضایت از زیست‌پذیری اجتماعی را کاهش خواهد داد.

همچنین یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه بین میزان یکپارچگی شهر بخصوص از بُعد ساختاری-تاریخی و میزان رضایت آنها از ابعاد زیست‌پذیری شهر مثبت بوده است. همبستگی اجتماعی به‌عنوان یکی از نمادهای اجتماعی، آن‌چنان‌که جیکوبز باور دارد، شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای است که در محله‌های شهری در ارتباط با مسائلی که کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تصمیم‌گیری می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد باوجود تغییراتی که در ساختارهای اقتصادی و سیمای عمومی شهر اتفاق افتاده است، به لحاظ اجتماعی و بخصوص همبستگی اجتماعی، شهر ایلام دارای خصوصیات جامعه سنتی است. جامعه‌ای که به تعبیر دورکیم انسجام مکانیکی مشخصه اصلی آن است. جامعه‌ای که دارای ارزش‌های مشترکی هستند و به اهداف مقدس واحدی اعتقاد دارند. در این جامعه نبود کنجکاو و غیبت آگاهی درباره رویدادها که در محل‌های دور روی می‌دهند، از ویژگی‌های آن‌ها است. در این جامعه که وجدان‌های فردی منطبق با وجدان جمعی پرورش می‌یابد، نتیجه آن توافق ارزشی و همبستگی اجتماعی است. شهر ایلام باوجود تجربه برخورد با دستاوردهای دنیای جدید، همچنان از ته

نشست‌های فکری، ارزشی، عقیدتی و نیز عناصر هویت بخش به جا مانده از سنت و گذشته ارتزاق می‌کند.

بوردیو، کلمن، پاتنام و فوکویاما همبستگی اجتماعی را وابسته به کیفیت روابط اجتماعی متقابل میان اعضاء جامعه محلی می‌دانند. شاید بتوان همبستگی موجود در بین ساکنان را در پرتو فرضیه اجتماعی شدن اینگلهارت تبیین کرد. بر اساس فرضیه اجتماعی شدن، مناسبات میان وضعیت اقتصادی - اجتماعی و اولویت‌های ارزشی رابطه‌ای مبتنی بر تطابق نیست، بلکه تأخیری محسوس در این میان وجود دارد. به‌طور کلی ارزش‌ها و مناسبات اجتماعی تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم بر سال‌های قبل از بلوغ است. ساکنان شهر ایلام که به درازای تاریخ یک فضای سنتی را تجربه کرده و بخصوص که میدان یک جنگ خانمان سوز بوده است و بنا به نظر کوزر جامعه در چنین شرایطی نیازمند اتحاد، وحدت، همدلی، پذیرش مسئولیت و توجه به منافع کلان بوده است، طبیعی است که نوع نگاه و مناسبات آنها مبتنی بر ویژگی‌های جامعه سنتی باشد و همبستگی اجتماعی اولویت اساسی آنها باشد و آماده مشارکت و پذیرش مسئولیت اجتماعی باشد. هرچند رویکردهای سنتی در عرصه مدیریت شهر، مشارکت شهروندان و بخش خصوصی و جامعه مدنی را به رسمیت نمی‌شناسد و امکان بهره‌مندی از این ظرفیت عظیم اجتماعی جهت توسعه شهری را از خود سلب کرده است اما این سرمایه اجتماعی شرایط زیست‌پذیری شهری را مساعد کرده و بسیاری از آسیب‌های جامعه شهری را کاهش داده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین دو متغیر میزان تعلق اجتماعی شهروندان به‌عنوان یکی از ابعاد عملکردی - اجتماعی یکپارچگی شهری و میزان رضایت آنها از ابعاد مختلف زیست‌پذیری شهر رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. حس تعلق اجتماعی فرایندی است که طی آن، مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد و به مشارکت می‌انجامد. همچنین با تنظیم روابط اجزای هر نظام، به کاهش پیچیدگی روابط اجتماعی منجر شده و رفتار دیگران را پیش‌بینی می‌کند. این امر باعث افزایش اعتماد اجتماعی و به دنبال آن، افزایش احساس امنیت اعضای جامعه و کاهش ناهماهنگی شناختی و سرانجام، ثبات رفتار اعضای جامعه می‌شود و همبستگی و انسجام و حس وفاداری به جامعه را افزایش می‌دهد (ناطق‌پور، ۱۳۸۳). بنابراین، می‌توان حس تعلق اجتماعی را یکی از مبانی مهم احساس مسئولیت اجتماعی فرد برای روابط مناسب و ثمربخش با جامعه دانست.

بنا به نظر دورکیم وقتی حس تعلق به جامعه در افراد وجود داشته باشد، یک حس همانندی و قرابت به وجود خواهد آمد و پیوندهای عاطفی و دل مشغولی‌ها و منافع مشترک، افراد را به هم پیوند می‌دهند که نتیجه آن افزایش و تشدید تماس‌های آنان و گسترش ارتباطات در سطح جامعه است. این مهم بخصوص در جوامع در حال گذار که بسترها و عوامل ایجاد تعلق اجتماعی، دچار تغییر می‌شوند و به تبع آن الگوهای همکاری در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... تغییر خواهد یافت.

بنابراین بالا بودن حس تعلق به مکان در میان شهروندان زمینه مشارکت گسترده آنها در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شهر را فراهم می‌کند و این می‌تواند مسیر توسعه شهروندی به‌عنوان یکی از پیش نیازهای شهر زیست‌پذیر را هموار سازد. بخصوص در شهر ایلام که باوجود تحولات چند دهه اخیر، هنوز فرهنگ شهروندی در آن شکل نگرفته و امکان مشارکت واقعی مردم خصوصاً در اداره محل زندگی خود فراهم نشده است. بنابراین بالا بودن حس تعلق اجتماعی در میان شهروندان می‌تواند زمینه مشارکت آنها را فراهم و به تبع دستاوردهای آن منجر به افزایش زیست‌پذیری شهری گردد.

رابطه بین رضایت از فضاهای فرهنگی شهر با میزان رضایت از زیست‌پذیری شهری بر اساس یافته‌های پژوهش مثبت بوده است. فضاهای فرهنگی شهر، پاسخی مناسب به تمام نیازهای جسمی، اجتماعی، معنوی و نیز پر کردن بخشی از اوقات فراغت انسان می‌دهند. تفریحات و اوقات فراغت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های زیست‌پذیری اجتماعی در معنای عام خود، آن بخش از فعالیت‌های انسانی را در بر می‌گیرند که به‌طور دلخواه و آزادانه و فارغ از اجبار، در جهت تحقق خواستها و آرمان‌های فردی و اجتماعی انجام می‌شوند و هدف نهایی آنها، وصول به معنای حیات، احساس سعادت و بروز خلاقیت است. انسان در این پهنه‌ها حضور می‌یابد تا علاوه بر برقراری ارتباط و تعامل با هموعان، تأمین معاش، بازی و تفریح و مانند آن‌ها، لحظه‌ای به تعمق و تفکر در جهان بپردازد، تا از این رهگذر به کمال مطلوب خود دست یابد. فضاهای فرهنگی نقشی اساسی در شکل‌گیری شخصیت ادراکی افراد دارند. بنابراین رضایت از آن‌ها زمینه‌ای از امکانات تجربه و یادگیری اکتشافی که در اثر مشارکت و تعامل افراد در محیطی پویا و تصمیم‌گیری و تجربه ادراک محیطی با کیفیت که نقش تعیین‌کننده و سازنده‌ای در حس تعلق به مکان و اندیشه شهروندی دارد. از مهمترین فضاهای فرهنگی شهر که می‌تواند رضایت شهروندان را به همراه داشته باشد، می‌توان به سینما اشاره کرد. سینما به‌عنوان یک معلم و یک وسیله آموزشی مؤثر و

به منزله رسانه‌ای سمعی و بصری که همه حواس انسان را به کار می‌گیرد، با کارکردهایی چون گریزخواهی، جامعه‌پذیری، تبلیغ و اقناع، هم ذات‌پنداری و نشان‌دادن واقعیت نقش مهمی در پرکردن اوقات فراغت شهروندان دارد. شهر ایلام سال‌ها است که سینمای قدیمی آن تعطیل شده و امکان استفاده از آن وجود ندارد. هرچند با گسترش اینترنت، امکان دسترسی به خدمات سینمایی بصورت فیلم خانگی و... افزایش یافته است اما کمبود سینما با توجه به ویژگی‌های خاص آن موجی از نارضایتی را در بین شهروندان و بخصوص نسل جوان ایجاد کرده است.

پیامدهای توسعه شهری و پیچیدگی معضلات زیست‌محیطی، وجود فضای سبز و گسترش آن را بیش از هر زمان دیگری ضروری ساخته است. شهرها به‌عنوان کانون‌های تمرکز و فعالیت و زندگی انسان‌ها برای آن که بتوانند پایداری خود را تضمین کنند، چاره‌ای جز پذیرش ساختار کارکردی متأثر از سیستم‌های طبیعی ندارند، اما متأسفانه میزان دسترسی به فضای سبز و کیفیت آن، از سوی شهروندان مناسب ارزیابی نشده است. هرچند شهر ایلام از نظر کیفیت و دسترسی به فضاهای مصنوعی وضعیت مناسبی ندارد، اما به علت دسترسی به پارک‌های طبیعی مانند جغاسبز، تخت‌خان، تنگه ارغوان و منطقه ششدار بخشی از نارضایتی را جبران کرده است. به‌طور کلی تعاملات و فعالیت در این گونه فضاها باعث تغییر الگوهای فرهنگی و ادراکی شهروندان می‌گردد که در راستای حرکت شهر به سوی زیست‌پذیری است.

منابع

- ارزانی، مصدق. (۱۳۹۳)، *شکل‌گیری شهر ایلام از نگاه جغرافیای و تاریخی*، تهران: نشر آوای تاریخ، چاپ اول.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷)، *فضا و نابرابری اجتماعی ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
- رضوانی، م و منصوریان، ح. (۱۳۸۷)، «سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی»، *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۳: ۱-۲۶.
- ردایی، مهجبین؛ صالحی، اسماعیل و فریادی، شهرزاد. (۱۳۹۷)، «تحلیل راهبردی مبتنی بر عقلانیت اکولوژیک برای توسعه فضاهای زیرسطحی شهری با رویکرد زیست‌پذیری (مطالعه موردی: شهر کویری یزد)»، *فصلنامه برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای*، دوره ۳، شماره ۶: ۴۳-۸۰.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۵)، «بررسی گفتمان‌های غالب در بحث جهانی شدن، *نامه علوم اجتماعی*، بهار ۱۳۸۵، شماره ۲۷: ۱۷۹-۱۵۷.
- پیران، پرویز. (۱۳۶۹)، «دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی شهر و شهرنشینی»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال پنجم، شماره ۳.
- جعفری اسدآبادی، ح. (۱۳۹۲)، بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: کلان شهر تهران)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا*، دانشگاه خوارزمی.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه: تورج یار احمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه، چاپ اول.
- سجادی، ژیلدا؛ اردلانی، روناک؛ ماندگار، رضوان؛ جمالی حاجی حسن سفلی، عین الله و رسولی، کمال. (۱۳۹۸)، «بازتعریف شاخص‌های مکانی ارتقاء دهنده پایداری اجتماعی با رویکرد راهبرد بازآفرینی شهری در بافت تاریخی شهر سنندج»، *فصلنامه برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، دوره ۴، شماره ۹: ۱۷۹-۱۴۷.
- شارع پور، علی. (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات سمت.
- طالبیان، محمد حسن و فاتح، محمد صادق. (۱۳۸۸)، *منظرهای فرهنگی، مجموعه مباحث کارگاه کارشناسی ارتقاء مدیریت و برنامه ریزی منظرهای فرهنگی میراث جهانی*، تهران: بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد.
- عیسی لو، علی اصغر و همکاران. (۱۳۹۳)، «انگاره زیست‌پذیری رهیافتی نوین جهت ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی (مطالعه موردی شهرستان قم، بخش کهک)»، *نشریه مسکن محیط و روستا*، شماره ۱۴۶.

- کلارک، دیوید. (۱۳۸۸)، *جهان شهری، شهر جهانی*، ترجمه: مهدی قرخلو و فروغ خزاعی نژاد، تهران: نشر انتخاب.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، ایلام.
- موسوی، یعقوب. (۱۳۹۱)، *درآمدی بر بنیادهای نظری حقوق شهروندی در شهر*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Badland, H, et al. (2014). " Urban liveability: Emerging lessons from Australia for exploring the potential for indicators to measure the social determinants of health." *Journal of Social Science and Medicine*, 111(1/2), 64–73.
- Camanho, A.Zanella. (2014). " The assessment of cities' livability integrating human wellbeing and environmental impact. ", *Journal of anno per Res*, 226(1/2), 659-726.
- De Chazel. (2010). "A System Approach to Livability and Sustainability: Defining Terms and Mapping Relationships to Link Desires with Ecological Opportunities and Constraints." *Systems Research and Behavioral Science*, 27(5/6), 585-597.
- EIU. Liveability report-global liveability survey. (2017). <http://store.eiu.com/product.aspx?Pid=455217630> (JULY-6 2017).
- Ghanbaran, A and Musavi, S. (2014). "Planning Urban Open Spaces for Improving Livability within City." *Journal of International Journal of Academic Research*, 6(5), 148-152.
- Newton, Peter. (2012). "Liveable and Sustainable? Socio-Technical Challenges for Twenty-first-Century Cities." *Journal of Urban Technology*, 19(11/12), 81-102.
- Savasdisara, T. (1988). "Residents' satisfaction and neighbourhood characteristics in Japanese urban communities." *Journal of Landscape and Urban Planning*, 15(3/4), 201–210.
- Saitluanga, B. L. (2014). "Spatial pattern of urban livability in Himalayan Region: A case of Aizawl City." *Journal of Social indicators research*, 117(2), 541-559.
- Rossler, M. (2008). "Applying Authenticity to Cultural Landscapes." In Waite, D. (Ed.), *APT Bulletin*, XXXIX(2-3), *Published by Association for Preservation Technology International*, 47- 54

- Van Zerr, M. & Seskin, S. (2011). "**Recommendations Memo Livability and Quality of Life Indicators.**" Least Cost Planning Working Group and Least Cost Planning Projects Management Team.
- Wheeler, S.M. (2001). "**Livable communities: Creating safe and livable neighborhoods, towns and regions in California.**" (Working Paper 2001–2004).
- UNESCO. (2005) "**Vienna Memorandum on World Heritage and Contemporary Architecture – Managing the Historic Urban Landscape.**" UNESCO World Heritage Centre,
<http://whc.unesco.org/archive/2005/whc0515ga-inf7e.doc>.